

## ضیافت

شعرهایی در خلوت حافظانه، کمی هم نور سیاه

(۱)

سحرگاه وقتی

زمین بی نشان صاف بود

با چراغ‌هایی

که تیره از درون شده باشند

وبعد از اربعین خوبان تند خو

رسم براین بود که با انگشت و آستین و...

■

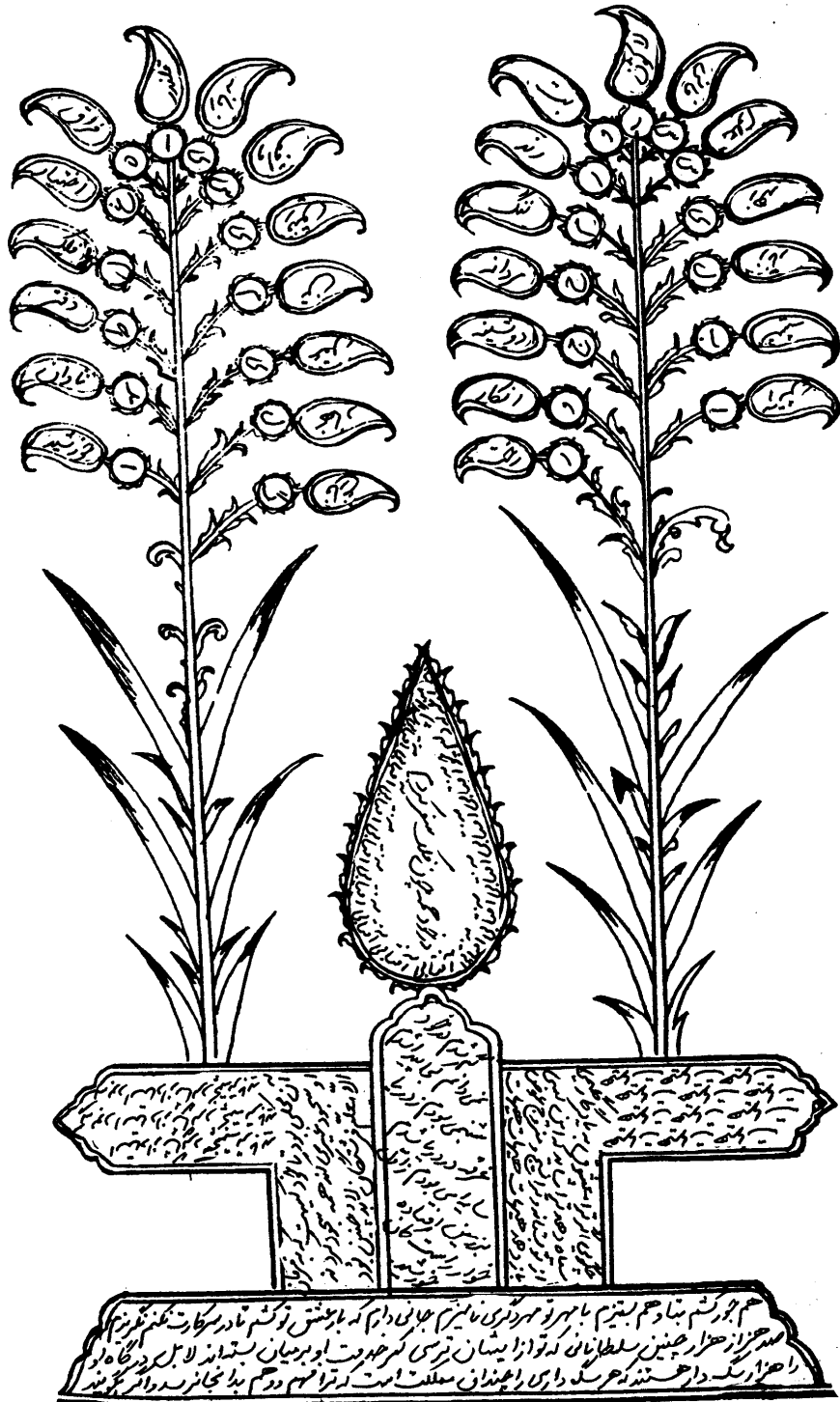
■

صد بار ■

■

وبعد از آن یک خلوت هست با یک انگشت...

سیر آفاق در باغ های نشابور و سنایی و عین القضات



## تنهایی

(۱)

صورتت سپید چون کافور و لعل هم اضافه کنید

به اضافه لعل.

هوا را این که ابر موهایت به خیسی مطلوب برگ ها

حرف ها

و یک سبد انگور پرورده در ساق های ماه

به اضافه لعل.

(۲)

"لعل در لب تو حرف اضافه بود"

(۳)

کافور دارم اندر سر گاه پیش صورتت

گاه پیش موهایت

و خیسی خرامان که از پل بگذرد

پل به ماه (۲) اضافه تبدیل می شود

من

می میرمت پل ، تو

از مجموعه شعر این لغت من است،.....

آنیما